

## زندان و مجازات در آناتولی قدیم\*

نوشته: کاسپار.ک. ریم اشنايدر

ترجمه: حسین بادامچی



زندان برای دو هدف مهم کارآیی دارد. از یک طرف، محلی است برای نگه داشتن مجرم، خواه شخص متهمی که باید مانع گریختن وی از دست عدالت شد، یا شخص محکومی که برای پرداخت جریمه مقرر نسبت به جرم خود تضمینی ندارد. از طرف دیگر، زندان جایی است که محکوم علیه برای مجازات در آن حبس می شود. مسلماً، از این کاربردهای زندان، نوع اول قدیمی تر است. نوع دوم در تاریخ اجتماع بشری تنها وقتی توانست گسترش یابد که مجازاتهای دیگر، از جمله مجازات مرگ و قطع عضو، دیگر برای کیفر دادن برخی جرایم مناسب تلقی نمی شدند. اندیشه زندانی کردن به عنوان مجازات در خاور نزدیک باستانی ناشناخته بود.<sup>(۱)</sup> اگرچه به طور کامل برای

\*- مشخصات این مقاله به شرح ذیل است:

Kaspar.k.Riemschneider, Prison and Punishment in Early Anatolia.

*Journal of the Economic and Social History of the Orient*, Vol.XX, Part 1, 1977, PP.114-126

رومیان ناشناخته نبود، حقوق روم آن را رد کرده است. بنابراین نظر اولپین، حقوقدانی که در ابتدای سده سوم میلادی فعالیت می‌کرد، زندان باید تنها برای بازداشت و توقیف اشخاص به کار رود نه برای کیفر دادن آنها.<sup>(۲)</sup>

عقیده بر این بود که زندان مکانی برای نگه داشتن اشخاصی است که در انتظار محاکمه به سر می‌برند، به علاوه مجرمین محکوم شده‌ای که باید تا زمان اجرای مجازات مرگ توقیف شوند. زندان (Carcer) مکان اعدام مجرمین نیز بود، به خاطر بیاوریم که تبهکاران همدست کاتیلینه در زندان با خفه کردن کشته شدند.<sup>(۳)</sup> باید افزود به رغم دیدگاهی که اولپین مطرح کرد، مواردی از زندانی کردن بلندمدت یا مادام‌العمر متعلق به روم در اوایل دوره امپراتوری در دست است.<sup>(۴)</sup> یونانیان نسبت به رومیان حتی کمتر از زندان استفاده کردند.<sup>(۵)</sup> بازداشت هر کسی که متهم به یک جرم جدی بود، در صورتی که می‌توانست سه نفر را برای تضمین حضورش در محکمه معرفی کند، ممنوع بود.

در آناتولی، قدیمی‌ترین شواهد دال بر وجود زندانها متعلق به متون آشوری قدیم است. در یک نامه، سه بازرگان آشوری از شریک خویش می‌خواهند هیچ یک از کالاهای مورد تقاضا را قاچاقی وارد نکند، و به کسی اشاره می‌کنند که کالاهای قاچاق خود را به «پوشکین» (Puškén) خاصی فرستاده بود، اما کالاهای قاچاق او توقیف گردید و دربار «پوشکین» را بازداشت نمود و به زندان (ana kišer šim) افکند.<sup>(۶)</sup> اینجا زندان آشکارا با حاکمیت محلی، یعنی دربار، مرتبط شده است، زیرا آشوریان ملزم بودند به دربار مالیات بپردازند و برای گریز از همین مالیات بود که گاه به قاچاق مبادرت می‌نمودند.<sup>(۷)</sup> نامه دیگری، که موضوع آن امور تجاری عادی است، به طور گذرا از چند مزدور تابع فرمانروای محلی شهر «شَلْهَشُوا» (šalahšūwa) سخن به میان می‌آورد<sup>(۸)</sup> که به دستور ملکه شهر دیگری به زندان افکنده شدند، دلیل این کار را نمی‌دانیم؛ از آنجا که این نامه در «الیشر» (Ališar)، یعنی امکوای باستانی، کشف شد، می‌توان تصور کرد که آن شهر دیگر همان امکوا بوده است. شاید دلیل زندانی شدن سربازان مزدور، همچنان

که لوی گفته است<sup>(۹)</sup>، شیخون به قلمروی امکوا (Amkuwa) بوده باشد. مولف این نامه، یک آشوری که احتمالاً در «شَلْمُشُوا» (šalahšuwa) یا نزدیک آن می‌زیست، از مخاطب خود، که او هم آشوری بود، می‌خواهد دربارهٔ امکان آزادسازی یا خریدن آن مردان مزدور تحقیق کند، زیرا گفته می‌شد مبلغ فراوانی پول جهت بازخرید خویش در اختیار دارند.

(به طور گذرا خاطر نشان می‌کنیم که به نظر می‌رسد اینجا حکمران محلی از این نظام ارتباطی کارآمد میان بازرگانان آشوری برای مسأله‌ای کاملاً شخصی استفاده کرده است). برای هدف مطالعه ما لازم به تأکید است که زندانی کردن موقتی تلقی شده و اینکه زندانیان پس از پرداخت فدیه آزاد می‌شوند؛ به علاوه، لغتی که برای زندان (Kišer šum) در هر دو نامه به کار رفته است، تنها در متون آشوری قدیم شناخته شده و احتمالاً وام واژه‌ای است متعلق به یکی از زبان‌هایی که در آن زمان در آناتولی تکلم می‌شده است.<sup>(۱۰)</sup> در عبارتهای نقل شده، این واژه آشکارا به سیاهچالهای حاکمان محلی اشاره می‌کند. با این حال، یک نامه چاپ نشده، که لوی نقل کرده، نشان می‌دهد که «کاروم» (Kárum)، به معنی مرجع عمومی یک مستعمرهٔ تجاری آشوری، زندان خاص خود را نیز داشت، که به همین ترتیب «Kišer šum» نامیده شده است: «از آنجا که «کاروم» به اختیار خود او را به زندان (ana kišer šim) افکند و چون من کسی نبودم که او را به زندان انداخت...»<sup>(۱۱)</sup>

بنابر اشاره‌ای در یک نامهٔ تجاری دیگر به زندان («هنگامی که من تو را در زندان ملاقات کردم»)<sup>(۱۲)</sup> می‌آموزیم که زندانی به طور کامل از دیگران جدا نشده بود و شاید حتی اجازه داشت فعالیت تجاری خود را در حالی که زندانی بود، ادامه دهد. در خصوص دیگر اسناد آشوری قدیم که در آنجا صرفاً بیان شده کسی در زندان به سر می‌برد، می‌توانیم به فرهنگ آشوری دانشگاه شیکاگو، ذیل «Kišer šum» ارجاع دهیم. جالب است افعالی را که معمولاً با واژه «Kišer šum» به کار می‌روند ذکر نماییم. اغلب این واژه در عبارتهای گویایی همچون «ana Kišer šim nadûm» تحت‌اللفظی یعنی

«(کسی را) به زندان انداختن»، یا «ina Kišeršim Wašabum» «در زندان نشانیدن» آمده است. لغت بابلی قدیم برای زندان *Sibittum* (۱۳) معمولاً با افعال رسمی تر همچون «erébum» به معنی «داخل کردن»، «Wasûm» به معنی «ترک کردن»، «šûsum» «رها کردن، باقی گذاشتن» استفاده شده است.

اگرچه ما دربارهٔ زندان در آسیای صغیر در دوره آشوری قدیم بسیار اندک می‌دانیم، راجع به زندان هیتی‌ها حتی کمتر آگاهی داریم. تاکنون حتی واژهٔ معادل زندان در زبان هیتی را نمی‌شناسیم. در اشارات اندکی که در دست داریم، مفهوم زندان در قالب نشانه‌نویسی [= هزوارش] (logogram) بیان گردیده است، یا با لغت بابلی «bit kili» یا لغت سومری «È.EN.NU.UN» واژهٔ «bit kili» تنها یک بار در یک متن هیتیایی به چشم می‌خورد.

این کاربرد در دستوره‌های خطاب به ساکنان «تیلیورا» (Tiliura) آمده است؛ Tiliura شهری بود که پادشاه هتوشیلی سوم به عنوان پایگاهی هیتیایی در ناحیه‌ای که عمدهٔ ساکنان آن «کشکایین‌ها» (Kaškaens)، قبیله‌ای کوه‌نشین، بودند، تجدید بنا کرد. بنابراین دستورها به نظر می‌رسد روابط میان ساکنان شهر و کشکایین‌ها در بسیاری جهات محدود شده بود. یک کشکایین اجازه نداشت که شب را در شهر بماند. اگر می‌ماند و مسأله کشف می‌شد، اهالی «تیلیورا» موظف بودند او را به زندان بیندازند، (۱۴) و سپس، اگر شواهدی دال بر نیات پلید او وجود داشت، یا وی را جریمه کنند یا به قتل برسانند. اکنون اشارهٔ دیگری به «bit kili» شایان ذکر است. در نامه‌ای که در بابل پادشاه carchemich به پادشاه اوگاریت نوشته، حکایتی، منسوب به «مردم حتی»، نقل شده است: «به شخصی پس از اینکه مدت پنج سال را در زندان (ina bit kili kali) سپری کرده بود گفته شد: سحرگاه آنان تو را آزاد خواهند کرد! اما (سحرگاه) او خفه شد. (۱۵)» این داستان هولناک و دستوره‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهند که هیتی‌ها نیز زندانی کردن را موقتی تلقی می‌کردند که گاه با آزادی پایان می‌یافت، گاهی با اعدام مجرم.

نشانه‌نویسی [هزوارش] É.EN.NU.UN\* در متون دو زبانه و راجع به غيب‌گویی متاخر متعلق به بين‌النهرين به شكل EN.NU.UN يا EN.NUN به عنوان شكل مکتوب لغت بابلی sibittu به معنی زندان، که پيشتر ذکر شد، می‌آید. حرف É = شناسه سومری به معنای خانه] در ابتدای این نشانه‌نویسی در متون هیتیایی را باید عامل مشخص‌کننده‌ای تلقی کرد، زیرا، بنابر قواعد نگارشی هیتیایی، باید پيش از هر کلمه متعلق به مقوله خانه‌ها که به صورت هجایی یا نشانه‌نویسی نوشته می‌شود، بیاید. (۱۶)

از شش متنی که در آنها E.EN.NU.UN ذکر شده، دو مورد - یکی غيب‌گویی (۱۷) و دیگری قسمتی از افسانه ترام‌سین (۱۸) - به مطالعه حاضر ما مربوط نمی‌شود زیرا هر دو ترجمه‌هایی از زبان اکدی هستند. در متن سوم، که از طریق مشاهده حرکات مارها در کاسه‌ها به غيب‌گویی می‌پردازند، É.EN.NU.UN در معنایی کاملاً غير معمول به کار رفته است. (۱۹) این واژه در اینجا به یکی از نقاط بسیاری، احتمالاً بر دور لبه کاسه، اشاره می‌کند که مار ممکن است لمس کند هنگامی که این نوع غيب‌گویی انجام می‌شود. مورد چهارم، در متنی شکسته، اینجا تنها به یک دلیل اهمیت دارد، این قطعه به گزارشهای دادگاه تعلق دارد، و به روشنی نشان می‌دهد که زندانی عمومی در پایتخت به هنگام امپراتوری جدید هیتی‌ها، که تاریخ متن را می‌توان از آن دوره دانست، وجود داشته است. دو اشاره آخر به مجموعه روایتهایی از هیتی قديم که معمولاً با عنوان «وقایع نامه دربار» شناخته می‌شود، تعلق دارد.

«اشکلیای» خاصی، که ملقب به «پروردگار شهر هورما» بود، و چنانکه از چندین عبارت این متن معلوم است شخص بانفوذی به حساب می‌آمد، می‌خواست کوزه‌گری را به نام «ایش پوداش - اینارا» (۲۱) بکشد؛ هرچند خود وی پيشتر او را به مدیریت جامعه‌ای منصوب کرده بود، (۲۲) او را به زندان انداخته بود. وقتی معلوم شد که «ایش پوداش - اینارا» زندانی شده است، کسی برای آزاد کردن او فرستاده شد، احتمالاً از سوی پادشاه،

\* - هزوارش یعنی اینکه به یک زبان می‌نویسند و به زبان دیگری می‌خوانند.

اما متن این مطلب را صریحاً نمی‌گوید این عبارت به دلیل آتی جالب توجه است. چون امکان ندارد که در این دوره قدیمی بشود کسی را در زندان عمومی پایتخت بدون اطلاع پادشاه زندانی کرد، متن دال بر وجود زندانی خارج از حوزه مستقیم نظارت پادشاه می‌باشد. به نظر می‌رسد «ایشر پوداش - اینارا» یا در شهر دیگری زندانی بوده، یا به سادگی در اتاقی از ملک دشمن خود، «اشکلیا»، محبوس یا تحت نظر مراقبت می‌شد. اگر احتمال دوم را نقطه عزیمت قرار دهیم، می‌توان گمانهایی راجع به تعقیب مجرمان بیان نمود.

از آنجا که ما در هیچ جای متون هیتیایی قدیم نشانه‌ای دال بر وجود شخصی با وضعیت شبیه کلاتر که بتواند به نام قانون و عدالت بنابر دستور شاه عمل کند، نیافته‌ایم، فکر می‌کنیم به احتمال قوی تعقیب مجرم، اگرچه نه محکوم کردن او، وظیفه خصوصی شخص زبان‌دیده محسوب می‌شد. احتمالاً بزه‌دیده به کمک خانواده یا عشیره‌اش، مجرم را توقیف می‌کرد و تا زمان محاکمه در منزل خویش در بازداشت نگه می‌داشت. این باور مستلزم آن است که در بسیاری از خانه‌های شهرهای هیتی قدیم می‌بایست مکانی برای توقیف مجرم وجود داشته باشد. هیتی‌شناس اهل پراگ، سویشک (V. Souček)، هنگامی که برای اثبات تفسیرش از مسأله مورد مناقشه «Parnaššca Šuwaizzi»، عبارتی که مکرراً در قوانین هیتی قدیم به کار رفته، استدلال می‌کرد، از راه دیگری به همین نتیجه رسید. (۲۳)

تمام جملات این قوانین که به جرایم جدی‌تر به غیر از جرایم مستوجب کیفر مرگ می‌پردازند با این عبارت خاتمه می‌یابند، که به دنبال جواب شرطی که در آن مجازات مقرر شده می‌آیند (مجازات اغلب عبارت است از پرداخت پول یا تسلیم اشخاص برای برده شدن). برای نمونه، ماده ۱۳: «اگر کسی بینی شهروند آزادی را با دندان قطع کند: باید یک مینای نقره (۴۰ شکل) بپردازد Parnaššca Šuwaizzi». (۲۴) ترجمه تحت‌اللفظی این جمله چنین است: «و به خانه او فشار می‌دهد.» (عجیب است چون مفعول بی‌واسطه که از فعل متعدی انتظار می‌رود، بیان نشده است.) از میان تفاسیر بسیار

گوناگونی که مطرح شده است، محتمل‌ترین تفسیر به نظر ما، تفسیر ذیل که سوشک (Souček) بیان کرده می‌باشد: «او (= زیان‌دیده) (او را = مجرم را) به خانه‌اش (یعنی خانه) مجرم هل یا فشار می‌دهد (= آزاد می‌کند)».

این تفسیر مبتنی بر این فرض است که زیان‌دیده مجرم را توقیف کرده و پس از پرداخت جریمه موظف می‌شود او را آزاد نماید. پس عبارت Parnašea Šuwaizzi بر لزوم آزاد کردن مجرم توسط زیان‌دیده تصریح می‌کند. لذا، این جمله تنها در خصوص جرایمی به کار رفته که در آن جرایم توقیف مجرم برای تضمین پرداخت خسارت مناسب به نظر می‌رسید: قتل، و موارد شدیدتر ضرب و جرح و سرقت. در جمله‌ای از این قوانین (ماده ۳۸) «سوشک» برای فرضیه‌اش مؤیدی یافته است. اگرچه معنای این جمله دقیقاً واضح نیست، تفسیر آتی محتمل به نظر می‌رسد: اگر کسی به کمک اشخاصی که در یک دعوای حقوقی بازداشت شده‌اند، بیاید و توسط «صاحب آن دعوا» کشته شود، قانون مقرر می‌کند که برای کشتن «یاری‌کننده» پرداخت خسارت لازم نیست. لغت «یاری‌کننده» نشان می‌دهد که برای آزاد کردن زندانیان مورد بحث تلاشی صورت گرفته بوده «صاحب‌دعوا» حتماً همان کسی است که توسط گروه بازداشت شده جرمی علیه او صورت گرفته. با توجه به اینکه شاکی تنها وقتی می‌تواند در وضعی باشد که «یاری‌کننده» را به قتل برساند که به هنگام اقدام برای آزادسازی زندانیان حاضر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که این اشخاص در یک زندان عمومی حبس نبوده‌اند، بلکه در منزل زیان‌دیده توقیف بوده‌اند. اگر تفسیر ماده ۳۸ به نحوی که گفتیم صحیح باشد، هدف ماده قانونی کاملاً واضح می‌شود: افراد را از کوشش برای آزاد کردن شخصی که به دلیل دعوایی حقوقی در منزلی خصوصی توقیف شده، منصرف نماید، زیرا، بنابراین ماده، چنین «یاری‌کننده‌ای» از حمایت قانون محروم است.

برای بررسی امکان زندانی کردن خصوصی در جامعه هیتیایی قدیم، لازم است ششمین کاربرد É.EN.NU.UN را ذکر کنیم. این اشاره، که این مورد نیز به مجموعه روایتها تعلق دارد، مشتمل بر اندرزی است، احتمالاً خطاب به حاکمان آینده، در

خصوصاً اینکه اگر عضوی از خانواده سلطنتی مرتکب جرمی شد چگونه با وی برخورد نمایند.

بنابراین متن، «پسری» (منظور پسر شاه است) که «علیه شخص شاه مرتکب گناهی گردیده» باید تسلیم اوردالی رودخانه شود. اگر این اوردالی او را «تبرئه» کند، از آن پس به حضور شاه پذیرفته خواهد شد. اما اگر اوردالی علیه او حکم داد، او باید در خانه خود بماند: «او را به زندان می‌فکن، به او آسیبی مرسان، او را نکش!». از متن آشکار می‌شود که نحوه برخورد مقرر شده برای پسر پادشاه یا پسر خانواده سلطنتی برخوردی بود که در خصوص محکومین دیگر اوردالی نیز اجرا می‌شد - احتمالاً زندانی کردن، تا زمان اعدام. نویسنده متن ما پیشنهاد می‌کند پسر خانواده سلطنتی از این شیوه معمول مستثنی شود. نوعی مجازات مخصوص به اعضای خانواده سلطنتی و شاهان کشورهای تابع تبعید یا تغییر مکان بود. برجسته‌ترین تبعیدی دوره هیتی‌ها شاهی بود به نام اورهی - تشرب (Urhi-Tešub)، که پس از خلع شدن به دست عمویش هتوشیلی، به خارج از کشور فرستاده شد. اقطاع‌دارانی (vassal) که علیه شاه بزرگ شورش کرده بودند گاهی اوقات به پایتخت سرزمین هیتی آورده، به ایشان اجازه می‌دادند در خانه‌های شخصی زندگی کنند. در این خصوص، به خاطر می‌آوریم که رومیان نیز، حداقل گاهی اوقات، از همین شیوه پیروی می‌کردند. نمونه مشهور سرنوشت پالمیرن ملکه زنوبیا است.

او پس از کشته شدن شوهرش از اطاعت امپراتور روم سرباز زد. نهایتاً اورلیان او را مغلوب کرد، و اسیر در زنجیره‌های طلایی در مراسم راه‌پیمایی پیروزی‌اش به نمایش گذاشت، و برای گذراندن باقی عمر طولانی‌اش به خانه بیلاقی نزدیک تیولی (Tivoli) فرستاده شد.

اما تمام کسانی که از خانواده سلطنتی نبودند در معرض ضمانت اجرای کامل قانون قرار داشتند. وسیله معمول اعدام در قلمرو هیتی‌ها ظاهراً قطع سر بوده است. این شیوه صریحاً در قوانین هیتی قدیم تنها در خصوص اشخاصی که حکم یک مقام عالی‌رتبه سلطنتی را پذیرند مقرر شده است (ماده ۱۷۳).



بر روی مهرهای سلطنتی هیتی قدیم، به اصطلاح مهرهای تَبَرَن (Tabarna)، به زبان بابلی نوشته شده هرکس به طور غیرمجاز از این مهر استفاده یا آن را جعل کند به مجازات قطع سر محکوم می‌شود. شواهدی در متون هیتیایی وجود دارد که به روشنی نشان می‌دهد اجرای عملی این مجازات برآستی ممکن بود.

اما عجیب است که تنها یک اشاره وجود دارد که به روشنی می‌گوید سرفلان مجرم قطع شود. قربانی، یک اریووشوی (Ariwašu) خاص، در نبرد که بین هیتی‌ها و کشکایین‌ها درگرفت، احتمالاً به طرفداری کشکایین‌ها، شرکت جست. متن می‌گوید که او دستگیر و با قطع سر کشته شد. با توجه به اینکه نام او هیتیایی است نه کشکایین، ممکن است به جرم خیانت اعدام شده باشد.

در ماده‌های دیگر قوانین هیتی‌ها آنجا که مجازات مرگ برای سرقت علامت سلطنتی (ماده ۱۲۶)<sup>۳۸</sup>، برای تجاوز به عنف (ماده ۱۹۷)، برای رابطه جنسی با حیوانات (۱۹۹) و برای جادوگری (اگر مجرم برده باشد) (ماده ۱۷۰) مقرر گردیده است، شکل اعدام مشخص نشده است. در خصوص موارد بسیار اندکی در متون آشوری قدیم که مجازات مرگ ذکر شده نیز وضع به همین منوال است (یعنی شکل اعدام مشخص نیست). زندگی تجاری (حیات شغلی) در آناتولی دوره آشوری قدیم حتماً زمینه مساعدی برای کلاهبرداری و سوءاستفاده بوده است، اما کلاهبرداران یقه سفید آشوری قدیم ظاهراً با مجازات شدیدتری غیر از حبس در برابر دین مواجه نبودند. تنها اسنادی که در آن به مجازات مرگ تهدید شده مربوط است به قراردادهای طلاق یا ارث. برای نمونه، اگر مرد یا زن ادعایی علیه همسر سابق خود مطرح کند که مخالف با شروط توافق‌نامه طلاق ایشان باشد، مقصر باید کشته شود. با توجه به اینکه تقریباً تمام این اسناد به اشخاصی با نامهای غیرآشوری مربوط است، می‌توان نتیجه گرفت که مجازات مرگ در چنین مواردی منعکس‌کننده یک عرف محلی است که با مجازات مرگ نزد هیتی‌ها برای انکار

\* در متن اصلی اشتباهاً به ماده ۲۳ بارجاع شده (مترجم).

حکم سلطنتی قابل مقایسه می‌باشد.

بازهم نمی‌دانیم که مجازات مرگ، اگر اجرا می‌شد، چگونه بود. چه بسا اینجا نیز شیوه اعدام قطع سر بوده است. به نظر می‌رسد در زمان نگارش نسخه‌های موجود قوانین هیتی‌ها، این شیوه تنها گونه رایج مجازات مرگ بوده است. برخی شیوه‌های دیگر مجازات در قوانین هیتی ذکر شده، اما قدیمی تلقی گردیده و با مجازات‌های انسانی‌تر جایگزین شده‌اند.

کسی که به دنبال بذرکاری شخصی بر روی مزرعه‌ای آن را تصرف و دوباره بذر می‌کارد، در زمان گذشته او را به دو گروه گاو می‌بستند و گردنش را جلوی خیش می‌نهادند. این عمل البته به معنی مرگ مجرم است، اما سپس گاوها را نیز می‌کشتند و به کل ماجرا رنگ جادویی می‌آمیختند. آنچه نقل می‌شود باقیمانده این سنت پس از اصلاح قانون است: «اکنون آنان یک گوسفند به جای آن فرد و دو گوسفند به جای گاوها می‌گیرند.» مجرم باید نان و شراب برای مراسم تطهیر تقدیم کند، و باید محصول مزرعه را به شخصی که نخست بذر کاشته بود واگذارد. (مواد ۱۶۶ - ۱۶۶۷)

ماده دیگر کسی را ذکر می‌کند که چند کندوی عسل دزیده بود. سابقاً او را اجباراً در معرض نیش زنبورها می‌گذاشتند، که به معنای نوعی کشتن بود. پس از اصلاح قانون مجرم می‌بایست تنها جریمه پردازد. (ماده ۹۲)

مسئله‌ای که چندان واضح نیست مجازات برده است که پس از اصلاح قانون نیز باقی ماند. اگر برده علیه اربابش شورش و نافرمانی کند، «او به گلدان یا کوزه گلی خواهدرفت.»

با توجه به سیاق مطلب این نوعی مجازات مرگ است؛ اما دقیقاً معلوم نیست، همچنان که عموماً گمان می‌شود، برده زنده دفن یا غرق می‌شد. (ماده ۱۷۳).

مجازات‌های دیگری را که باید در اینجا نام برد، اشکال گوناگون قطع عضو است. در این قوانین اعمال قطع عضو به بردگان محدود شده است. برده‌ای که مالی را سرقت کرده یا خانه‌ای را به آتش کشیده بود، علاوه بر جبران خسارت، بینی و گوش‌هایش را

می‌بریدند. (مواد ۹۵ و ۹۹)

کور کردن در این قوانین ذکر نشده است. یک فرمان سلطنتی که توسط یکی از اسلاف «شوی لولیوما» (šuppiluliuma) تألیف شده ظاهراً دلالت دارد که گاهی برده را به جرم سرقت با کور کردن مجازات می‌نمودند. این مطلب که کور کردن شخص آزاد صریحاً در این فرمان ممنوع اعلام شده به روشنی نشان می‌دهد که در زمانهای گذشته کور کردن به عنوان گونه‌ای مجازات در مورد شخص آزاد نیز ممکن بوده است. قانون هیتی‌ها عمیقاً متأثر از اصل جبران خسارت (= ترمیم) بود. مجازاتهایی که بیش از جبران خسارت نشانه انتقام‌گیری بودند، تنها به طور استثنایی استفاده می‌شدند.

#### یادداشت‌ها

(۱) این نکته را سن‌نیکولو متذکر شده است:

M. San Nicolò, Münchener Beiträge Zur Papyrusforschung und antiken Rechtsgeschichte 35 (1954) 1.

2) Digesta Iustiniani 48 19 8:9.

3) Sallust, De Catilinae Conjuratone 55.

(۴) برخی نمونه‌ها در این دایرةالمعارف نقل شده‌اند.

Paulys Real-Encyclopädie der Classischen Altertums \_ wissenschaft, 3.Band 1894, S.V. Carcer.

(۵) درباره زندانی کردن در یونان بنگرید به:

A.R.W. Harrison, The Law Of Athens, vol. 2, Oxford 1971, 177 and 241 ff.

6) B. Kienast, Die Altassyrischen Texte... , Berlin 1960, NO.62: 28ff. cf. kl.R.Veenhof, Aspects of Old Assyrian trade and its terminology, Leiden 1972, 307f.

(۷) وینهوف، در کتاب فوق‌الذکر، صفحه ۳۰۵ به بعد مسأله قاچاق را در آناتولی در دوره آشوری قدیم مفصلاً بررسی کرده است.

8) I.J.Gelb, Inscriptions from Alishar and Vicinity, Chicago 1935, NO.5:9FF. , see

J.Lewy, Archives d'histoire du droit orientale 2 (1938) 128 ff., J.Bottéro, Le Problème des Habiru, Paris 1954, 8f.

9) J. Lewy, L.C. 130 n.2.

۱۰) بنگرید به فرهنگ آشوری دانشگاه شیکاگو (CAD)، جلد K، شیکاگو ۱۹۷۱،

ذیل واژه Kišeršu

11) J.Lewy, L.C. 129.n.1.

۱۲) موزه لوور، متون خط میخی، قسمت ۱۴، پاریس ۱۹۲۸، شماره ۲۵:۴۹  
 ۱۳) با این حال، واژه Sibittum که معمولاً «زندان» ترجمه شده، به بیان دقیق‌تر یک ergastulum بود نه زندان. در آنجا زندانیان ناشی از دین که ملزم به کار اجباری بودند نگهداری می‌شدند. این مطلب بنابر نامه‌ای متعلق به دوره بابل قدیم که در اور پیدا شده، آشکار است.

در این نامه می‌خوانیم: «او همسر و دخترت را بازداشت کرد. به اینجا بیا پیش از اینکه همسر و دخترت در اثر آسیاب کردن (جو) در «زندان» فوت شوند. همسر و دخترت را آزاد کن!»

Ur Excavations, Texts vol.5, 1953, NO.9:14 ff.

14) KUB 21 29 iii 31 f. (and duplicate KUB 23 123 iii 3): ŠĀl: KI \_ I.I \_ [...]  
 peššiyanzi.

برای مطالعه ترجمه کامل متن به همراه تفسیر بنگرید به:

E. Von Schuler, Die Kaššäer, Berlin 1965, 145 ff.

15) J.Nougayrol, Ugaritica 5, Paris 1968, P.108 f., NO.35:5 ff.

همچنین بنگرید به:

J.Nougayrol, Revue hittite et asianique 18/66-67 (1960) 117-119.

۱۶) بنابراین «قرائت بابلی» از «É:EN.NU.UN» همان «Sibittu» به معنای زندان،

است، نه «bit Sibittu».

17) KBO 10 7ii7 and 9.

18) KBO 3 20 ii 8 and 10.

19) KUB 22 38:9.

این متن را لاروش ترجمه کرده:

E.Laroche, Revue d'Assyriologie 52 (1958) 150 ff.

20) KBO 22 131:30

21) KBO 3 34=BOTU 12.A ii 15 ff.

۲۲) بنابر نسخهٔ دوم (KBO 3 36=BOTU 12.B 22) نام این امکان Ullamma است.

برای دیدن موقعیت جغرافیایی این اثر بنگرید به:

E.Bilgic, Archiv für Orientforschung 15 (1945/51) 20 with n.149.

23) V.Soucek, Bemerkungen Zur Schlussformel der hethitischen Gesetze, Archiv Orientalni 29 (1961) 1-29.

۲۴) قوانین هیتی‌ها بنابر ترجمه فردریش نقل می‌شود:

J.Friedrich, Die Hethitischen Gesetze, Leiden 1959.

ترجمه‌های دیگر عبارتند از:

A.Goetze, in Ancient Near Eastern Texts relationg to the Old Testament, ed. by

J.B.Pritchard, 3rd ed., princeton 1969, 188 ff.

این متن به راهنمایی دکتر نجفی ابرندآبادی در مجلهٔ حقوقی و قضایی دادگستری

شماره ۳۱، ترجمه شده است. (مترجم)

Fiorella Imparati, Le leggi ittite, Rome 1964.

[جدیدترین ترجمه و ویرایش اثر هافنر است]

Harry A.Hoffner, The Laws of the Hittites, a critical Edition, Leiden: Brill 1997.

[مترجم]



ثروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی